

کتاب ایوب

جلسه ۲: تاریخ و نویسندگی

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه دوم، تاریخ و نویسنده است.

بدون کتاب و نویسنده [۲۱:۰۰-۳۷:۱]

بیا ببینیم چند لحظه‌ای را صرف صحبت در مورد تاریخ و نویسنده کتاب ایوب کنیم. حال، حتی وقتی آن سطر را معرفی می‌کنم، با مشکلاتی مواجه هستیم. ما اغلب سعی می‌کنیم به کتاب‌های مختلف کتاب مقدس نگاه کنیم تا در مورد تاریخ و نویسنده کتاب سوال کنیم. مشکل اینجا است: در جهان باستان هیچ کتابی وجود ندارد و هیچ نویسنده‌ای در جهان باستان وجود ندارد. جهان باستان اصلاً شبیه جهان ما نیست. واقعاً چیزی به عنوان نویسنده‌ای که کتاب می‌نویسد وجود ندارد. به جای نویسندگان، ما شخصیت‌های معتبری داریم که صحبت می‌کنند؛ و کاتبانی داریم که می‌نویسند. و البته، آنها کتاب نمی‌نویسند. آنها اسناد می‌نویسند، شاید سندی که روی لوح گلی یا پاپیروس یا چیزی شبیه به آن، حتی روی لوح‌های مومی ثبت شده است. بنابراین، ما در جهان باستان نه کتاب داریم و نه نویسنده.

فرهنگ غالب شنوایی [۳۷:۱-۴۵:۲]

دنیای باستان، دنیایی است که شنوایی بر آن غالب است. منظورم از شنوایی غالب این است که آنها عادت دارند اطلاعات خود را از طریق صحبت کردن و شنیدن دریافت کنند. این برای آنها طبیعی است. در واقع، کلمات معتبر از این طریق به دست می‌آیند. یک پیام شفاهی و شنیداری برای آنها، اعتبار بیشتری نسبت به یک متن نوشتاری دارد. ما اینطور فکر نمی‌کنیم. نویسندگان امروزی، البته، مالکیت معنوی دارند. حق چاپ وجود دارد. چیزی شبیه به این در دنیای باستان وجود ندارد. و بنابراین، آنچه ما داریم، دنیایی بسیار متفاوت است. وقتی با پرسیدن درباره نویسندگان و کتاب‌ها شروع می‌کنیم، مکالمه را به دنیای خودمان تحمیل کرده‌ایم، به جای اینکه در دنیای خودش، باشد، جایی که به آن تعلق دارد.

صدای معتبر [۴۵:۲-۱۳:۴]

بنابراین، از یک نظر، ما سوالات اشتباهی می‌پرسیم. بیشتر کتاب‌های عهد عتیق در ابتدا به عنوان کتاب نبودند. البته، باید این را اصلاح کنم که بیشتر آنچه ما در عهد عتیق کتاب می‌نامیم، در نهایت به عنوان کتاب به ما رسیده‌اند، اما آنها به عنوان کتاب شروع نشده‌اند. آنها به عنوان گفتار شفاهی شروع شده‌اند. آنها سپس شروع شدند.

برخی از آنها به عنوان اسناد، روایت‌های فردی، پیشگویی‌های فردی و مزامیر فردی، در اسناد. آنها با کسی که نشسته و کتاب می‌نویسد شروع نمی‌شوند. و با این حال، آنچه در نهایت به کتاب تبدیل می‌شود، هنوز به طور محکم به چهره‌های مرجعی که آن فرآیند ارتباطی را آغاز کرده‌اند، متصل است. اما گاهی اوقات، ممکن است قرن‌ها قبل از اینکه در کتاب‌هایی که داریم گردآوری شوند، منتقل شده باشد. با این حال، حتی در آن زمان، کتاب‌ها آن صدای معتبر را از گذشته حفظ می‌کنند. بنابراین، کتاب‌ها در پایان فرآیند می‌آیند، نه در ابتدای فرآیند. با کتاب شروع نمی‌شود. با کتاب تمام می‌شود.

ایوب به عنوان یک کتاب [۴:۵۵-۴:۱۳]

با این اوصاف، کتاب ایوب ممکن است یکی از استثنائات باشد. این را می‌گویم چون چیزهای زیادی در کتاب ایوب وجود دارد که به نظر می‌رسد یک ساختار ادبی است. یعنی به عنوان یک قطعه کامل کنار هم قرار گرفته است، نه فقط به عنوان سخنرانی یک دوست و سخنرانی دوست دیگر که به نوعی جدا از هم یا چیزی شبیه به آن نگه داشته شده‌اند. همه اینها با هم کار می‌کنند. بنابراین، ممکن است ایوب یکی از معدود یا تنها کتاب در عهد عتیق باشد که در واقع به نظر می‌رسد به عنوان یک کتاب آغاز شده است.

نوشتن در فرهنگی که شنوایی غالب است [۶:۴۴-۴:۵۵]

البته، ما ممکن است سنت ایوب، داستان ایوب و روایتی که ممکن است قبلاً وجود داشته باشد را داشته باشیم. در ادامه به برخی از این موارد خواهیم پرداخت. اما این کتاب یک اثر ادبی بسیار پیچیده است. بنابراین، باید این را در نظر بگیریم. در دنیای باستان، آنها به اخلاق، گفتار و شنوایی وابسته نبودند زیرا بی‌سواد بودند. مطمئناً، مردم احتمالاً حداقل سطح اولیه نوشتن را یاد می‌گرفتند. و البته افراد دیگری نیز وجود داشتند که با آموزش و حرفه خود به ویژه کاتبان - کاملاً باسواد بودند. اما در دنیای باستان، مردم نیازی به نوشتن نداشتند. آنها نیازی به خواندن - نداشتند. این یک فرهنگ غالب شنوایی بود و بنابراین، هیچ چیز در فرهنگ به خواندن یا نوشتن آنها وابسته نبود. این بدان معناست که حتی اگر کمی از آن را یاد می‌گرفتند، هرگز از آن استفاده نمی‌کردند.

مثل بعضی از آدم‌های امروزی که ممکن است در دبیرستان یک زبان خارجی یاد بگیرند و بعد هرگز از آن استفاده نکنند. و در حالی که آن را یاد گرفته‌اند، و شاید در آینده برایش مفید باشد، آن را به خاطر نمی‌آورند. بعد از مدتی آن را فراموش می‌کنند. این چیزی نیست که واقعاً بتوانند با آن زبان کار کنند. فکر می‌کنم در مورد خواندن و نوشتن در دنیای باستان خیلی شبیه به این است. آنها می‌توانستند برخی از اصول اولیه را انجام دهند، اما عملکرد جامعه و فرهنگ به این بستگی نداشت که مردم چگونه بخوانند و بنویسند. فقط به این بستگی داشت که برخی افراد بدانند چگونه این کار را انجام دهند.

نقش کاتبان [7:51-6:44]

امروزه بسیاری از مردم درک اولیه‌ای از الزامات قانونی در جامعه ما دارند، اما وکیل نیستند. آنها می‌دانند که اگر به کاری واقعاً جدی نیاز داشته باشند، باید به یک وکیل مراجعه کنند و سندی تنظیم کنند. آنها این کار را به تنهایی انجام نمی‌دادند. بنابراین، در دنیای باستان، کاتبان داشتند. و وقتی واقعاً به چیزی مکتوب نیاز داشتند، که به اندازه ما نبود، کاتبی برای انجام آن استخدام می‌کردند. اسنادی که نوشته شده بودند، حتی اگر به برخی از روایات روایی بنی‌اسرائیل که زودتر از آنها نوشته شده بودند فکر کنید، قابل دسترسی نبودند. اگر هم بودند، نوشته می‌شدند و در بایگانی‌های کاتبان هستند و هیچ‌کس واقعاً به آنها دسترسی ندارد. هیچ‌کس کتابی را از کتابخانه بیرون نمی‌آورد تا آن را بخواند. این‌طور کار نمی‌کند. بنابراین حتی اگر آنها به صورت اسناد نوشته شوند، کاتبان با کپی کردن آنها، کارهایی از این قبیل، کار خود را تمرین می‌کنند.

ایوب به عنوان یک ساختار ادبی [8:44-7:51]

بنابراین، این یک فرهنگ بسیار متفاوت است، و فرهنگی است که شنوایی در آن غالب است. سخنرانی‌های کتاب ایوب، سخنرانی‌های بسیار ادبی هستند. این موضوع فوراً ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اینها چیزهایی نیستند که بسیاری از مردم بتوانند به صورت بداهه بیان کنند. نثر بسیار گلچین و گاهی اوقات نوعی شعر است. اما سطح پیچیده‌ای از زبان است. احتمالاً افرادی هستند که می‌توانند به صورت بداهه اینگونه صحبت کنند، اما نه خیلی زیاد. و بنابراین، ما تمایل داریم سخنرانی‌های کتاب ایوب را به عنوان ساختارهای ادبی در نظر بگیریم. بعداً به این موضوع باز خواهیم گشت.

وقایع ایوب [اوایل]؛ نگارش ایوب [اواخر] [۱۰:۵۸-۸:۴۴]

بنابراین، ما واقعاً در مورد تاریخ تألیف و کتاب ایوب صحبت نمی‌کنیم. اگر نویسنده و کتاب برچسب‌های خیلی قابل قبولی برای دنیای باستان نیستند، دوست داریم کمی در مورد چگونگی شکل‌گیری کتاب بدانیم. خب، نکته دیگری که باید درک کنیم این است که لازم نیست فکر کنیم که کتاب در زمانی نوشته شده است که ایوب زندگی می‌کرده است. چند شاخص در کتاب وجود دارد که نشان می‌دهد ایوب در دوره‌ای زودتر، نه در دوره‌ای جدیدتر، از نظر جامعه اطرافش، زندگی می‌کند. اما نشانه‌هایی نیز در کتاب وجود دارد که نشان می‌دهد تمرکز ادبی کتاب جدیدتر است نه قدیمی‌تر. این ما را به این فکر می‌اندازد که حتی اگر ایوب به عنوان شخصی در دوره‌ای بسیار اولیه تاریخ‌گذاری شده باشد، به این معنی نیست که کتاب در آن دوره اولیه نوشته شده یا تألیف شده است. بیا بید از آن کلمه به عنوان خنثی، تألیف شده در آن دوره اولیه استفاده کنیم. شخص می‌تواند اولیه باشد و تألیف می‌تواند متاخر باشد. بنابراین، صرفاً به این دلیل که ما شاخص‌های خاصی را در کتاب ایوب می‌بینیم که ممکن است او از یک دوره زمانی اولیه بوده باشد، به این معنی نیست که کتاب یک محصول اولیه است.

بنابراین، وقتی به جزئیات کتاب نگاه می‌کنیم، نکات بسیار کوچکی پیدا می‌کنیم. برای مثال، در مورد

واحد پولی صحبت می‌کند که □□□□ و ما فقط در دوره‌های قبلی از آن واحد پول اطلاع داریم. این مورد بسیار کوچکی است، به خصوص که ما با موقعیتی خارج از اسرائیل سروکار داریم، اما خب، همینطور است کتاب همچنین در مورد برخی از گروه‌های مهاجم به عنوان کلدانی و صابئین صحبت می‌کند. و در برخی از تحقیقات انجام شده در مورد تاریخ آن دوره، به نظر می‌رسد که این موضوع به دوره زمانی اولیه‌تر و نه جدیدتر اشاره دارد.

ایوب غیر اسرائیلی است، اما این کتاب برای اسرائیلیان نوشته شده است [۱۲:۴۳-۱۰:۵۸]

برخی تصور می‌کردند که این کتاب باید مربوط به دوران اولیه باشد، یعنی قبل از سینا و قبل از موسی، زیرا هیچ اشاره‌ای به عهد یا شریعت یا معبد نشده است. درست است. به این موارد اشاره نشده است. علاوه بر این، ما ایوب را می‌بینیم که به عنوان یک کاهن پدرسالار عمل می‌کند. او به عنوان کاهن خانواده خدمت می‌کند و این موضوع برای برخی به عنوان یک مسئله قدیمی‌تر به نظر می‌رسد. اما برای لحظه‌ای در نظر بگیرید که کتاب کاملاً واضح است که ایوب اسرائیلی نیست. اگر ایوب اسرائیلی نباشد، پس ما انتظار عهد یا قانون یا معبد را نداریم. در فرهنگ‌های دیگر و جوامع دیگر خارج از اسرائیل، در یک فرهنگ قبیله‌ای، بسیار مناسب است که پدرسالار به عنوان کاهن عمل کند. این چیزها واقعاً به ما در شناسایی تاریخ کمک نمی‌کنند. آنها فقط به ما کمک می‌کنند تا ببینیم که با یک اسرائیلی سروکار نداریم. ایوب اهل سرزمین عوص است. و ما در مورد اینکه آن سرزمین کجاست و اگر بدانیم کجاست، کمی صحبت خواهیم کرد. اما این نکته را به طور قاطع بیان می‌کند که او اسرائیلی نیست. و اگر او اسرائیلی نباشد، این جزئیات واقعاً هیچ معنایی ندارند.

از سوی دیگر، جالب اینجاست که این کتاب خطاب به بنی‌اسرائیل نوشته شده است و ما می‌توانیم این را تشخیص دهیم؛ کمی بعد، در سخنرانی بعدی، به این موضوع خواهیم پرداخت. می‌توانیم جهت‌گیری بنی‌اسرائیلی را حتی در کتابی که بر شخصیتی غیربنی‌اسرائیلی تمرکز دارد، تشخیص دهیم.

تاریخ نگارش [۱۲:۴۳-۱۲:۱۲]

بنابراین، تاریخ نگارش کتاب احتمالاً تاریخی متفاوت از تاریخ وقایع است. و بنابراین، ما نمی‌توانیم تاریخ کتاب را از وقایع تشخیص دهیم. اگر واقعاً کتابی است که بر بنی‌اسرائیل متمرکز است، پس انتظار داریم که مربوط به دوره‌های بعدی باشد نه قبل از آن. و بنابراین، ما به برخی از این مسائل خواهیم پرداخت.

ایوب به عنوان کتاب حکمت: حقایق ماندگار [۱۴:۴۳-۱۳:۱۲]

با تمام این اوصاف، باید به خاطر داشته باشیم که کتاب ایوب یک کتاب حکمت‌آمیز است. قرار نیست فقط داستان یک نفر باشد. قرار است یک کتاب حکمت‌آمیز باشد. و ماهیت ادبیات حکمت‌آمیز این است که حقایق جاودانه

هستند. این همان نکته حکمت است که اینها حقایق هستند که هر کسی در هر زمانی می‌تواند از آنها بهره‌مند شود و بنابراین، واقعاً باید تشخیص دهیم که در نهایت، فرقی نمی‌کند که آن را شفاهی بدانیم یا کتبی، چه آن را کتاب بدانیم یا مجموعه‌ای از اسناد، چه آن را از نظر ادبی در نظر بگیریم یا از نظر بلاغی، چه آن را اسرائیلی بدانیم یا غیر اسرائیلی، اوایل یا اواخر، فرقی نمی‌کند. ما کتاب را به خاطر آموزه‌های حکمت‌آمیزش می‌خوانیم. اعتبار کتاب در همین نهفته است. و بنابراین، این چیزی است که ما می‌خواهیم روی آن تمرکز کنیم - آموزه‌های حکمت‌آمیز. و می‌توانیم با خیال راحت مسئله تاریخ و نویسنده را کنار بگذاریم زیرا در نحوه خواندن خود کتاب تفاوتی ایجاد نمی‌کنند.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه دوم است: تاریخ و نویسنده. [14:43]